

ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها

مه‌دی ناصری^{1*}، مصطفی شیروی خوزانی²، محمودرضا توکلی محمدی³

- 1- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران
- 2- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران
- 3- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

دریافت: 93/11/7 پذیرش: 93/12/5

چکیده

اگر چه بیشتر ترجمه‌های تحت اللفظی قرآن کریم، در نگاه اول نارسا و نامفهوم به نظر می‌رسد و از سازگاری و مطابقت لازم با ساختارهای زبان فارسی برخوردار نیستند، اما در بسیاری از موارد از نقاط قوتی نیز برخوردارند که بسیاری از ترجمه‌های امروزی قرآن کریم، فاقد آن است. دقت در برابر گزینی، مطابقت با نص قرآن، توجه به ساختارهای صرفی و نحوی زبان مبدأ و... از جمله مواردی هستند که ترجمه‌های تحت اللفظی توجه شایانی به آن داشته‌اند. از سوی دیگر، نارسایی و روان نبودن ترجمه، عدم توجه به محذوفات قرآنی، ترجمه تحت اللفظی کنایه‌ها و استعاره‌ها و... از جمله کاستی‌های ترجمه‌های تحت اللفظی محسوب می‌شود. در همین راستا پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و شیوه‌ی تحلیل داده، به بررسی ترجمه‌های تحت اللفظی: دهلوی، شعرانی، مصباح‌زاده و معزی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ترجمه‌های تحت اللفظی قرآنی کریم در مقایسه با ترجمه‌های محتوایی، با وجود کاستی‌های خود، از برتری‌های نسبی نیز برخوردارند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه تحت اللفظی قرآن، ترجمه محتوایی، زبان فارسی، نقد و بررسی.

1- مقدمه

1-1- بیان مسأله

این نوشتار بر آن است تا ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن به زبان فارسی را مورد بحث و بررسی قرار داده و ویژگی‌های کلی هر یک از این ترجمه‌ها را مشخص نماید. ترجمه‌های تحت اللفظی از جمله ترجمه‌های متن محور محسوب می‌گردند به گونه‌ای که در مقایسه با سایر ترجمه‌ها، از تقید و وابستگی بیشتری نسبت به نص قرآن برخوردار بوده و برآند تا تمامی ویژگی‌های واژگانی، دستوری و بلاغی زبان مبدأ را به همان شکل وارد زبان مقصد نمایند.

2-1- فرضیه تحقیق

مشخص نمودن روش‌های ترجمه قرآن کریم و بیان ویژگی‌های هر یک از این روش‌ها، نقش بسزایی در نقد و ارزیابی درست و منصفانه ترجمه‌های قرآن دارد. تاکنون تقسیم بندی‌های گوناگونی برای ترجمه‌های قرآن کریم ذکر شده، اما نکته بسیار مهم که فرضیه و زیربنای این مقاله را تشکیل می‌دهد این است که هر یک از انواع ترجمه، روش و رویکرد خاصی را دنبال کرده که در مبحث نقد و ارزیابی آنها باید مورد توجه قرار گیرد تا هر ترجمه برپایه و اساس روش مشخص شده خود، مورد بررسی قرار گیرد. به عبارتی دیگر هر یک از ترجمه‌های سه گانه تحت اللفظی، وفادار و آزاد، از ویژگی‌ها و اصول خاصی برخوردار هستند که در نقد و بررسی آنها باید بدان توجه نمود.

3-1- پیشینه تحقیق

در ارتباط با ترجمه‌های تحت اللفظی قرآن کریم به زبان فارسی تاکنون تحقیقات متعددی به رشته تحریر در آمده است که برخی از آنها عبارتند از: محمدعلی رضایی اصفهانی (1383ش) در مقاله «روشها و سبکهای ترجمه قرآن» مجله ترجمان وحی (شماره 15 بهار و تابستان) / سیدمحمدحسن جواهری (1384ش) در مقاله «پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم» فصلنامه پژوهش‌های قرآنی (شماره 42-43) / مهدی ناصری (1387ش) در رساله دکتری «منهجية

الترجمات الفارسية المعاصرة للقرآن الكريم» (دانشگاه علامه طباطبائی) به راهنمایی دکتر جلال مرّامی/علی نجار پوریان (1388ش) در مقاله «بررسی روشهای ترجمه فارسی قرآن در دوران معاصر» مجله رشد آموزش قرآن (دوره هفتم شماره 1 پاییز)/عباس برومند اعلم در مقاله (1391ش) «بررسی ترجمه تحت اللفظی قرآن» پایگاه تحقیقاتی القرآن (تاریخ بازبینی: 93/5/12). علی‌رغم مقالات متعددی که تاکنون در خصوص بررسی انواع مختلف ترجمه‌های قرآنی صورت پذیرفته است اما تاکنون تا آنجایی که نگارندگان این مقاله مطلع هستند. پژوهشی مستقل و جامع در خصوص نقد و بررسی ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم صورت پذیرفته است.

2- ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی

ترجمه قرآن برای بیش از هزار سال، تحت اللفظی بوده و می‌توان گفت که تمامی ترجمه‌های کهن و برخی از ترجمه‌های جدید به این روش انجام شده است. در این روش تنها به عنصر معادل‌یابی اهمیت داده شده و واژه‌ها به صورت تک به تک و خارج از بافت کلام، ترجمه می‌گردد. به عبارتی دیگر مترجمان در این شیوه از ترجمه می‌کوشند تا با نهایت دقت و احتیاط، کلمات و واژه‌های قرآن را در فارسی برابریابی نمایند. البته گفتنی است که پایبندی به متن مبدأ و احتیاط بیش از اندازه مترجم در این روش، از شیوایی و رسایی متن مقصد کاسته و موجب می‌شود که خواننده در بسیاری از موارد، درک صحیحی از پیام زبان مبدأ نداشته باشد. نیومارک در بیان ترجمه تحت اللفظی اظهار می‌دارد که «در این نوع ترجمه ساختارهای دستوری زبان مبدأ به شبیه‌ترین معادل‌های آنها در زبان مقصد تغییر داده می‌شوند، اما در این روش هم، معنی قاموسی کلمات بدون توجه به متن ترجمه می‌شوند» (نیومارک، 1382ش: 57) ترجمه تحت اللفظی را می‌توان در زمره ترجمه‌های مطابق و یا مقید و وابسته به متن مبدأ قرار داد؛ بدین سان که مترجم - در این گونه از ترجمه - می‌کوشد تا از نصّ قرآن فاصله نگرفته و بلکه همواره وابسته و مقید به متن قرآن باشد. تا جایی که مترجم در این روش، برآن است تا هیچ نکته نحوی، صرفی،

بلاغی، لغوی و ... را مورد غفلت قرار ندهد. برخی از مهم‌ترین ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر عبارتند از: ترجمه شاه ولی‌الله دهلوی، ترجمه ابوالحسن شعرانی، ترجمه محمد کاظم معزی، و ترجمه عباس مصباح‌زاده.

نگارندگان در این مقاله ترجمه‌های تحت‌اللفظی را در دو محور نقاط قوت و ضعف مورد بررسی قرار می‌دهند. در محور نقاط قوت مطابقت ترجمه با متن قرآن، استفاده نکردن از افزوده‌های تفسیری، ترجمه ادوات تأکید و یکسان‌سازی در ترجمه (اسم) مورد بررسی قرار گرفته و در مبحث نقاط ضعف نیز سازگار نبودن با ساختار دستوری زبان مقصد، ترجمه کنایه‌ها و استعاره‌ها به صورت تحت‌اللفظی، عدم توجه به حذف و تقدیر در ترجمه و یکسان‌سازی در ترجمه (افعال، اصطلاحات و...) مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

3- نقاط قوت

3-1- مطابقت ترجمه با متن قرآن

ترجمه‌های تحت‌اللفظی از جمله ترجمه‌های متن محور به شمار می‌آیند، به این معنی که همگام بودن و وابستگی آنها به متن مبدأ در بالاترین درجه خود قرار می‌گیرد؛ چرا که ترجمه‌های تحت‌اللفظی ساختارهای نحوی، صرفی و لغوی متن مبدأ را بطور کامل وارد زبان مقصد می‌کنند. برای هر چه روشن‌تر شدن ویژگی‌های ترجمه‌های تحت‌اللفظی، در ذیل، این ترجمه‌ها را در مقایسه با ترجمه‌های غیر تحت‌اللفظی، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم. به همین منظور ترجمه سوره «قدر» را که در عین کوتاه بودن، نکات ترجمه‌ای فراوانی نیز دارد، برای بررسی تطبیقی انتخاب می‌نماییم: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (قدر/1)

ترجمه تحت‌اللفظی: همانا فرستادیمش در شب قدر (معزی). به درستی که فرستادیمش در شب قدر (مصباح‌زاده). به درستی که ما فرو فرستادیمش در شب قدر (شعرانی).

ترجمه آزاد: ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم (الهی قمشه‌ای). ما قرآن را در شب قدر که امور جهان هستی در آن مقدر می‌گردد، بر تو فرستادیم (صفوی).

ارزیابی: روشن است که ترجمه آقایان: شعرانی، مصباح‌زاده و معزی، از ترجمه‌های مقید و یا وابسته به متن مبدأ به شمار می‌آیند، چرا که مترجمان محترم، ترجمه هر واژه را زیر همان واژه در متن قرآن قرار داده‌اند، از این رو آیه بدون کم و زیاد به زبان فارسی برگردان شده است. برای نمونه ملاحظه می‌شود که آقایان شعرانی و ... مرجع ضمیر (هُ) را در ترجمه ذکر نکرده‌اند، و این به آن دلیل است که آنها تنها متن را ترجمه می‌کنند؛ در حالی که ترجمه‌های غیر مقید و به اصطلاح آزاد، مرجع ضمیر (هُ) را در ترجمه آورده‌اند؛ بدین سان که این ضمیر را به (قرآن) برگردان نموده‌اند.

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ (قدر/2)

ترجمه تحت اللفظی: و چه دانستت چیست شب قدر (معزی). و چه چیز دانا کرد تو را که چیست شب قدر (شعرانی). و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر (دهلوی).
ترجمه غیر تحت اللفظی: و تو چه می‌دانی... (انصاریان). و تو چه دانی که... (فولادوند).
و تو از کجا دانی که... (انصاری). چطور می‌توانی مجسم کنی که... (صفارزاده). و چه دانی که... (مجتبوی). و تو چه دانی که... (آیتی). و تو چه می‌دانی که... (مکارم).

ارزیابی: همانگونه که ملاحظه می‌گردد (آدری) از افعال دو مفعولی (سببی) و ماضی غائب است و معادل صحیح آن در فارسی می‌تواند افعالی از جمله: (آگاه کردن، خبردادن، مطلع ساختن و ...) باشد. این در حالی است که اغلب ترجمه‌های غیر تحت اللفظی - از جمله ترجمه‌های فوق‌الذکر - این فعل را به مضارع مخاطب (می‌دانی، دانی و مجسم کنی) برگردان نموده‌اند که این ترجمه اگر چه مطابق با ساختارهای زبان فارسی است، ولی با وجود این چندان پایبند و وفادار به زبان مبدأ محسوب نمی‌گردد. این در حالی است که ترجمه‌های تحت اللفظی، فعل مذکور را در نهایت مطابقت با زبان مبدأ و به همان شکل اولیه خود به زبان فارسی برگردان نموده‌اند که در نتیجه همانگونه که ملاحظه می‌گردد ترجمه‌های تحت اللفظی یاد شده، فاقد سلاست و روانی لازم در زبان فارسی هستند ولی از جهت دیگر از نهایت دقت و وفاداری در معادل یابی واژگانی برخوردارند.

البته گفتنی است که ترجمه (مأدراک) به (تو چه می دانی) اشتباه نیست؛ بلکه غرض این است که ترجمه‌های تحت اللفظی از عبارت مذکور، ترجمه‌ای وفادار بوده و سایر ترجمه‌ها، ترجمه‌ای محتوایی محسوب می‌شوند.

﴿لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ (قدر/3)

شب قدر بهتر است از هزار ماه (معزی) و (شعرانی) و (مصباح‌زاده)

﴿تَنزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ (قدر/4)

فرود آیند فرشتگان و روح در آن به دستور پروردگارشان در هر کار (معزی). نازل می‌شوند فرشتگان و روح در آن به اذن پروردگارشان از هر امری (شعرانی). فرود آیند فرشتگان و روح در آن به اذن پروردگارشان از هر امری (مصباح‌زاده).

﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ﴾ (قدر/5)

تا وقت طلوع فجر محض سلامتیست (دهلوی). سلامی است آن تا برآمدن بامداد (معزی). سلامتیست آن تا وقت طلوع صبح (شعرانی). سلامتی در آنشب تا طلوع فجر (صبح) (مصباح‌زاده) ارزیابی: همانگونه که ملاحظه می‌گردد آقایان: دهلوی، شعرانی، مصباح‌زاده و معزی، آیات مذکور را از نظر لغوی - و نه معنایی - یک به یک به زبان مقصد برگردان نموده‌اند، بدون اینکه به جهات دیگر زبان توجه‌ای داشته باشند. این شیوه از ترجمه، تحت اللفظی نامیده می‌شود که در آن واژگان متن مبدأ بدون کم و زیاد بیان می‌شود، و مخاطب و مترجم از نص قرآن دور نمی‌شود. شایان ذکر است، برای مشخص کردن مواردی که مترجمان - به دلیل تقید زیادشان به متن مبدأ. از قواعد فارسی سرپیچی کرده‌اند، زیر آن موارد خط کشیده‌ایم.

3-2- استفاده نکردن از افزوده‌های تفسیری

برخلاف ترجمه محتوایی و آزاد که از مطالب اضافی و افزوده‌های تفسیری بهره می‌گیرند، ترجمه‌های تحت اللفظی - جز در مواردی نادر - از افزوده‌های تفسیری استفاده نمی‌کنند.

بررسی تطبیقی: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ﴾ (مسد/1)

ترجمه تحت اللفظی: بریده باد دستهای ابی لهب و بریده باد (معزی). هلاک باد دو دست ابی لهب و هلاک باد ابو لهب (دهلوی). بریده باد دو دست ابی لهب بریده شدنی (مصباح‌زاده).
ترجمه آزاد: دو دست ابولهب ناکار آمد باد، و تلاش‌هایش بر ضد پیامبر بی اثر، و خودش نیز برای همیشه تباہ و از سعادت محروم باد! (صفوی)

﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ﴾ (مسد/2)

ترجمه تحت اللفظی: دفع نکند از او مال او و آنچه کسب کرده (شعرانی). کفایت نکند از او مال او و آنچه کسب کرده (مصباح‌زاده). بی‌نیاز نکرد از او مالش و آنچه فراهم کرد (معزی).

ترجمه آزاد: مال و دارائی او و آنچه کسب کرده و بدست آورده است (که مقصود فرزندان اوست) باو سودی نخواهد داد و از او عذاب خدائی را دفع نمی‌کند. یا اگر ما موصوله باشد. یعنی چه چیز به حال او سود خواهد داشت؟ مال او یا فرزند او به کار او خواهد آمد؟ ... (خسروی). این مال و ثروت را که بدست آورده به حال او سودی نخواهد بخشید و عذاب الهی را از او دفع نخواهد کرد (صفارزاده).

﴿سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ﴾ (مسد/3)

ترجمه تحت اللفظی: زود باشد که در آید آتش را صاحب زبانه (شعرانی). خواهد درآید به آتش صاحب شعله (دهلوی). زود است بچشد آتشی شعله ور (معزی).
ترجمه آزاد: ابولهب در آخرت به آتشی شعله ور شدید داخل شده، معذب خواهد شد (نوبری).

به زودی به آتشی زبانه دار در می‌آید و برای همیشه در آن ماندگار خواهد بود (صفوی).

﴿وَ أَهْرَآئُهُ حَمَالَةٌ أَخْطَبُ﴾ (مسد/4)

ترجمه تحت اللفظی: و زن او که بردارنده هیمه است (شعرانی). و زن او بردارنده هیزم (معزی). و زن او که بردارنده هیزم است (مصباح‌زاده).

ترجمه آزاد: زن او (ام‌جمیل) هم همراه او به همان منزل داخل خواهد شد همان زنی که شغل او کشیدن خار و خاشاک و اذیت به رسول خدا بوده است. (نوبری)
﴿فِي حَيْدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ﴾ (مسد/5)

ترجمه تحت‌اللفظی: در گردن او رسنی است از لیف خرما (دهلوی). در گردن او ریسمانی است از لیف خرما (شعرانی). در گردنش بندی است از لیف خرما (معزی).
ترجمه آزاد: در حالی که در گردن آن زن ریسمانی است بافته از لیف و پوست درخت خرما (که هیزم را بآن می‌بست تا هنگامی که همان ریسمان بگردنش بند شد، و هر چه کوشید خود را نجات داده و برهاند گره کورتر و زیر آن ریسمان هلاک و تباه شد ... (فیض الإسلام). و در گردنش طنابی است از لیف خرما [بجای گردنبند جواهر نشان و این طناب چون به آتش جهنم برسد شعله‌ای بر گردن او خواهد شد]. (صفارزاده)

ارزیابی: نکته قابل توجه در خصوص گروه نخست از مترجمان: دهلوی، شعرانی، مصباح‌زاده و معزی، این است که آنان تلاش کرده‌اند تا تنها واژگان زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل نمایند بدون آنکه به دنبال انتقال پیام و یا محتوای زبان مبدأ باشند و از این رو ملاحظه می‌گردد که این مترجمان از هیچ افزوده تفسیری نیز در ترجمه خود بهره نگرفته‌اند. این در حالی است که گروه دوم از مترجمان: صفوی و نوبری و ... برآند تا پیام زبان مبدأ را به صورت کامل و بدون دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات به زبان مقصد منتقل نمایند و از این رو می‌بینیم این گروه از مترجمان از افزوده‌های تفسیری و توضیحات لازم برای روشن کردن معنای زبان مبدأ بهره گرفته‌اند. گفتنی است برای مشخص‌تر شدن توضیحات و افزوده‌های ترجمه گروه دوم، زیر آنها خط کشیده شده است.

3-3- ترجمه ادوات تأکید

تقید و وابستگی ترجمه‌های تحت‌اللفظی به متن مبدأ تا جایی است که ظرایف و نکات دستوری زبان مبدأ بیش از زبان مقصد مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله این ظرایف دستوری

توجه به ادوات تأکید می‌باشد. اسلوب تأکید یکی از وجوه مهم عناصر بلاغت قرآن کریم است. خداوند متعال برای تأکید در کلام و تثبیت معنا در ذهن و اندیشه مخاطب، اسلوب‌های خاصی را به کار می‌گیرد. این اسلوب‌ها به صور مختلف و در جهت تأثیر عمیق و بازتابی دلربا در جان شنونده وهم چنین تقریر معنی در ذهن و اندیشه مخاطب به کار می‌رود. اما با این وجود، این جنبه از اعجاز در بسیاری از ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، مورد توجه لازم قرار نگرفته است. البته در این میان، ترجمه‌های تحت اللفظی تلاش می‌کنند تا تمامی تأکیدات زبان قرآن را به زبان فارسی ترجمه کنند که در زیر به بخشی از این موارد اشاره می‌کنیم.

3-3-1- ترجمه «إِنَّ»

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (قدر/1)

ترجمه تحت اللفظی: همانا فرستادیمش در شب قدر (معزی). هر آینه ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر (دهلوی). به درستی که ما فرو فرستادیمش در شب قدر (شعرانی). به درستی که فرستادیمش در شب قدر (مصباح‌زاده).

برای هر چه روشن تر شدن تفاوت میان این گونه از ترجمه با گونه‌های دیگر ترجمه، ترجمه‌های تحت اللفظی را با برخی از ترجمه‌های غیر تحت اللفظی مقایسه می‌کنیم: ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم (رهنما). ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم (مکارم). ما در شب قدرش نازل کردیم (آیتی). ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم (فولادوند). ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم (انصاریان).

ارزیابی: ملاحظ می‌گردد که ترجمه‌های تحت اللفظی، ادات تأکید (ان) را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند، در حالی که سایر ترجمه‌ها توجه‌ای به ترجمه این ادات تأکید نداشته‌اند.

3-3-2- ترجمه «إِنَّمَا»

﴿قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (ملک/26)

ترجمه تحت اللفظی: بگو جز این نیست که علم نزدیک خداست و جز این نیست که من ترساننده آشکارم (دهلوی). بگو جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که منم بیم دهنده آشکار (شعرانی). بگو جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که منم ترساننده آشکار (معزی). بگو جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که من بیم دهنده ام آشکارا (مصباحزاده).

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ﴾ (انفال/2)

ترجمه تحت اللفظی: جز این نیست که مؤمنان آنانند که... (دهلوی). جز این نیست که مؤمنان آنانند که... (معزی). جز این نیست که مؤمنان آنانند که... (مصباحزاده)

ارزیابی: چنان که ملاحظه می شود ترجمه های تحت اللفظی به حصر موجود در دو آیه مذکور توجه داشته و (إنما) را با عبارت (جز این نیست) ترجمه کرده اند؛ که این دلالت بر اهتمام مترجمان یادشده بر ترجمه ادوات تأکید دارد. هم چنین شایان ذکر است که این ترجمه ها کلمه (إنما) را در آیاتی دیگر مانند (آل عمران/15، النساء/17، النساء/171، المائدة/90، الأنعام/109، التوبة/28، التوبة/37 و...) نیز به همان شکل برگردان نموده اند.

3-3-3- ترجمه «نون تأکید»

﴿قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمَرُهُ لَيَسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (يوسف/32)

ترجمه تحت اللفظی: گفت این است آنکه مرا بدو نکوهش می کردید و همانا کام از او خواستم ولی خودداری کرد و اگر نکند آنچه بفرمایم همانا زندانی شود و هر آینه بگردد از زبونان (معزی)

... و هر آینه اگر نکند آنچه فرمایم او را هر آینه محبوس شود البته و هر آینه خواهد شد از خوار شدگان. (شعرانی)

... و اگر نه کند آنچه میفرمایم او را، البته بزندان کرده شود و البته باشد از خوارشدگان (دهلوی)

... و هر آینه اگر نکند آنچه فرمایم او را هر آینه محبوس شود البته و هر آینه خواهد شد از خوارشدگان (مصباح‌زاده)

ارزیابی: چنانکه ملاحظ می‌گردد مترجمان محترم: معزی و شعرانی و ... نون تأکید در دو فعل (یسجنن) و (لیکونن) را به فارسی ترجمه کرده‌اند، که این خود بیانگر توجه وافر آنان به انتقال معنای دقیق الفاظ و ظرایف دستوری و لغوی آنهاست.

﴿قَالَ أَرَأَيْتُ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَنْ لَمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾ (مریم/46)

ترجمه تحت اللفظی: گفت آیا رو گردانی تو از معبودان من ای ابراهیم اگر باز نه ایستی البته سنگسار کنم ترا و ترک صحبت من کن مدتی درازی (دهلوی). ... هر آینه اگر باز نایستی هر آینه سنگسار کنم و دور شو از من مدتی مدید (مصباح‌زاده). ... هر آینه اگر باز بایستی هر آینه سنگسار کنم ترا و دوری کن از من مدتی مدید (شعرانی). ... هر آینه سنگسار می‌کنم و دوری‌گزین از من روزگاری دراز (با اندک اندک) (معزی)

ارزیابی: اعراب کلمه (لَأَرْجُمَنَّكَ) چنین آمده است: «اللام واقعة في جواب القسم و مضارع مبني على الفتح لاتصاله بنون التوكيد الثقيلة و الفاعل مستتر و الكاف في محل نصب مفعول به و الجملة لا محل لها لأنها جواب قسم و جواب الشرط محذوف». (الدعاس، 1425، ج 2: 144) همان گونه که ملاحظه می‌شود مترجمان محترم به ترجمه نون تأکید در این فعل توجه داشته‌اند، و این بیانگر عنایت و دقت این نوع ترجمه‌ها در ترجمه ادوات تأکید می‌باشد.

هم‌چنین قابل ذکر است که دهلوی و معزی گاهی توجه به ترجمه نون تأکید، نداشته‌اند مانند: ﴿وَ وَصَىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَ يُعْقَبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (نقره/132)

و وصیت کرد به این کلمه ابراهیم پسران خود را و یعقوب نیز فرزندان را ای فرزندان من هر آئینه خدا برگزیده است برای شما این دین را پس ازین جهان نروید مگر مسلمان شده (دهلوی). و وصیت کرد بدان ابراهیم فرزندان خویش را و یعقوب ای فرزندان من همانا برگزید خدا برای شما دین را پس نمیرید جز آنکه باشید مسلمانان (معزی). پس نباید که بمیرید البتّه مگر ... (شعرانی). پس نباید که بمیرید البتّه مگر ... (مصباحزاده).
ارزیابی: چنان که مشاهده می شود دهلوی و معزی در مقایسه با سایر ترجمه ها، توجه لازم را به ترجمه نون تأکید در (تَمُوئِنٌ) نداشته اند.

3-4- یکسان سازی در ترجمه (اسم)

از اصول بسیار مهمی که تاکنون در ترجمه های فارسی قرآن کریم توجه شایانی به آن نشده است، یکسان سازی در ترجمه مشابهات قرآن است. این مشابهات خود به گونه های مختلفی تقسیم می شوند که لازم است در ترجمه قرآن کریم آنها را همانند و یکسان ترجمه کرد. اصول یکسان سازی ترجمه عبارت است از:

یکسان سازی در ترجمه اسم ها، فعل ها، حروف، ترکیب ها و عبارات، جمله ها، آیات و ساختارهای نحوی و صرفی مشابه.

ترجمه های تحت اللفظی از میان موارد یاد شده، یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می کنند که این مسأله می تواند از نقاط قوت این ترجمه ها به حساب آید. البته از سوی دیگر این ترجمه ها اغلب، یکسان سازی در ترجمه فعل ها، حروف و ... را رعایت نمی کنند که این مسأله نیز از کاستی های این ترجمه ها به شمار می آید.

3-4-1- ترجمه اسم های مشابه

ترجمه های تحت اللفظی از جمله ترجمه های متن محور و مقید محسوب می گردند؛ چرا که در این روش از ترجمه واژگان متن مبدأ با همان چینش اصلی خود وارد زبان مقصد می گردند، ولی افزون بر این موضوع، برای اینکه ترجمه های تحت اللفظی از بالاترین تقید

و وابستگی نسبت به زبان مبدأ برخوردار باشند، باید کلماتی را که در لفظ و معنا مشترک بوده را نیز بطور یکسان و یکدست به زبان مقصد منتقل نمایند. از این رو شایسته و بایسته این است که مترجم در این روش از ترجمه، اسم‌های مشترک و بویژه نام‌های خداوند از قبیل: تَوَاب، جَبَّار، حَکِیم، حَمِید، خَبِیر، رَحْمَن، رَحِیم، رُؤُوف، رَبِّ، سَمِیع، شَهِید، عَلِیم، عَزِیز، عَظِیم، غَنّی، غَفُور، عَلِیّ، غَفَّار، قَوِیّ، قُدُوس، قَادِر، قَدِیر، کَبِیر، کَرِیم، لَطِیف، مَهِیمَن، مَجِید، مَتَعَال و... را همگون و منسجم، به زبان فارسی برگرداند، چرا که تمامی این نام‌ها در خود متن مبدأ یکسان بکار رفته‌اند.

3-1-1-4- «قدیر»

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (نغابن/1)؛ تسبیح می‌گوید خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است او راست پادشاهی و او راست ستایش و او بر هر چیزی تواناست (مصباح‌زاده)... و اوست بر همه چیز توانا (شعرانی). و او است بر همه چیز توانا (معزی). و او بر همه چیز تواناست (دهلوی).

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (ملک/1)

افزون آمد آنکه به دست اوست پادشاهی و او بر همه چیز تواناست (مصباح‌زاده). ... و اوست بر هر چیزی توانا (شعرانی). ... و اوست بر همه چیز توانا (معزی). ... و او بر همه چیز تواناست (دهلوی).

ارزیابی: همانگونه که ملاحظه می‌شود تمامی ترجمه‌های تحت اللفظی، کلمه (قدیر) را در آیات پیشین، همگون و یکسان به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. گفتنی است که مترجمان یاد شده کلمه (قدیر) را در بسیاری از آیات دیگر نیز به معنای (توانا) ترجمه کرده‌اند که به دلیل ضیق مجال تنها به ذکر شماره آیات بسنده می‌نماییم: بقره/20، بقره/106، بقره/109، بقره/148، بقره/259، بقره/284، آل عمران/26، آل عمران/29، آل عمران/165، آل عمران/184، مائده/17، مائده/19، مائده/40، مائده/120، أنعام/17، أنعام/41، ...

3-4-1-2- «عزیز»

«العَزِيزُ: من صفات الله عَزَّ وَجَلَّ وأسمائه الحسنی قال الزجاج: هو الممتنع فلا يغلبه شيء، وقال غيره: هو القوي الغالب كل شيء، وقيل: هو الذي ليس كمثل شيء...» (ابن منظور، 1414ق، ریشه: عزز)

﴿فَإِنْ زَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/209)

پس اگر به لغزیدید بعد از آن که آمد به شما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب داناست (دهلوی). ... غالب درست‌کردار است (مصباح‌زاده). ... عزتمند حکیم (معزی). ... غالب درست‌کردار است (شعرانی).

﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ (ابراهیم/47)

پس مپندار خدا را خلاف‌کننده وعده خود را با رسولان خود. هر آئینه خدا غالب صاحب انتقام است (دهلوی). که خدا غالب صاحب انتقام است (مصباح‌زاده). همانا خدا عزتمند است دارای انتقام است (معزی). که خدا غالب صاحب انتقام است (شعرانی).

ارزیابی: اصل یکسان‌سازی در ترجمه آیات پیشین نیز از سوی ترجمه‌های تحت اللفظی رعایت شده است. مترجمان مذکور ترجمه کلمه (عزیز) را در آیات ذیل نیز به همان شکل ترجمه کرده‌اند که تنها به شماره آیات بسنده می‌کنیم: بقره/220، بقره/228، بقره/240، بقره/260، آل عمران/4، مائده/38، مائده/95، انفال/10، انفال/49، انفال/63، انفال/67، توبه/40، توبه/71، حج/40، حج/74، لقمان/27، فاطر/28، و حدید/25.

شایان ذکر است که ترجمه‌های تحت اللفظی تقریباً تمامی اسم‌های مشابه در لفظ و معنا را با در نظر گرفتن مسأله وجوه و نظایر یکسان به زبان فارسی برگردان نموده‌اند و مواردی که در این مقاله بدان اشاره گشت مصداق مشتی از خروار را دارد.

4- نقاط ضعف

4-1- سازگار نبودن با ساختار دستوری زبان مقصد

همانطور که پیش از این گفته شد، ترجمه تحت اللفظی معمولاً دور از فهم خواننده است، چرا که غالباً ساختار صحیح جمله بندی فارسی در آن رعایت نمی‌شود. بدین سان که ساختارهای نحوی، صرفی و لغوی متن مبدأ عیناً وارد زبان مقصد می‌شود؛ از این روی عناصر و سازه‌های نحوی در زبان مقصد (زبان فارسی)، فاقد نظم و ترتیب سازگار با ساختار نحوی آن زبان است. نمونه: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ (فیل/1)

آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگار تو با اصحاب فیل (شعرانی). آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگارت با یاران فیل (مصباح‌زاده).

﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾ (الفیل/2)

آیا نساخت بداندیشی ایشان را در بی‌فائدگی (دهلوی). آیا نگردانید حيله ایشان را در گمراهی (مصباح‌زاده). آیا نگردانید نیرنگ آنان را در گم‌گشتگی (معزی). ﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (فیل/3) و فرستاد بر ایشان مرغانی گروه‌گروه (مصباح‌زاده). و فرستاد برای ایشان نوعی پرنده فوج فوج (شعرانی). و فرستاد بر ایشان مرغانی گروه‌گروه (معزی). می‌انداخت به سوی ایشان سنگریزه‌ها از سنگ گل (دهلوی).

﴿تَزْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ﴾ (فیل/4)

می‌افکندند بر ایشان (پرتاب می‌کردند) سنگی را از سِجِّيل (معزی). که می‌انداخت به آنها سنگهائی از گل (مصباح‌زاده). که می‌انداخت ایشان را بسنگی از سِجِّيل (شعرانی). می‌انداخت به سوی ایشان سنگریزه‌ها از سنگ گل (دهلوی).

﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَضْفٍ مَّا كُولٍ﴾ (فیل/5)

پس گردانید ایشان را چون برگ خورده شده (شعرانی). پس گردانیدشان مانند کاه خرد شده (مصباح‌زاده). پس گردانیدشان مانند خوشه (یا برگ) خورده‌شده (معزی). پس ساخت ایشان را مانند آخر باقی مانده بعد از خوردن دواب (دهلوی).

ارزیابی: بدیهی است که هر زبان ساختار و چینش ویژه خود را دارد. اما چنانکه ملاحظ می‌شود تقید و وابستگی بیش از اندازه ترجمه‌های تحت اللفظی به زبان مبدأ، موجب می‌شود تا متن ترجمه در زبان مقصد از زبان معیار فاصله بگیرد؛ به گونه ای که بر خلاف جمله بندی فارسی در این شیوه، ترجمه «فعل» بر «فاعل» مقدم می‌گردد که البته در ترجمه‌های پیشین، این موارد را مشخص نموده ایم.

البته گفتنی است که گاهی برخی از این ترجمه‌ها برخلاف اصول و مبانی ترجمه تحت اللفظی‌شان، از چینش زبان مقصد پیروی می‌نمایند: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (قره/3) که به نادیده ایمان آورند ... (معزی). آنان که ایمان می‌آرند به نادیده ... (دهلوی). آنان که می‌گروند به آنچه پنهانست ... (شعرانی) (مصباح‌زاده).

ارزیابی: همانگونه که ملاحظه می‌شود، ترجمه معزی در این مورد از اصول ترجمه تحت اللفظی خارج گشته است چه آنکه ایشان در ترجمه، کلمه (بِالْغَيْبِ) را به (يُؤْمِنُونَ) مقدم نموده‌اند در صورتی که ترجمه تحت اللفظی این عبارت باید این چنین ذکر می‌شد: (که ایمان آورند به نادیده). البته گفتنی است که سایر ترجمه‌ها تحت اللفظی بدین مسأله توجه لازم را داشته و اصول ترجمه تحت اللفظی را در این آیه به درستی رعایت نموده‌اند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾ (توبه/ 28)

ای آنان که ایمان آوردید جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نزدیک نشوند مسجد حرام را پس از سالشان این (امسال) و ... (معزی). ... بعد از این سال ... (دهلوی). ... بعد از امسال ... (مصباح‌زاده). ... پس از سالشان این سال ... (شعرانی).

ارزیابی: تنها ترجمه‌ای که عبارت (عَامِهِمْ هَذَا) را تحت اللفظی ترجمه کرده، ترجمه معزی است که با عبارت (سالشان این) به این مطلب اشاره کرده است. البته ترجمه معزی نیز در داخل پراتنز، ترجمه معادل این عبارت را (امسال) بیان نموده

است. سایر ترجمه‌ها نیز - دهلوی، مصباح‌زاده و شعرانی - با وجود تحت اللفظی بودنشان، عبارت مذکور را غیر تحت اللفظی برگردان نموده‌اند.

4-2- ترجمه کنایه‌ها و استعاره‌ها به صورت تحت اللفظی

ترجمه تحت اللفظی، روش مناسبی برای ترجمه کنایه‌ها و استعاره‌ها به شمار نمی‌آید، چرا که این شیوه، استعاره و کنایه را به صورت مبهم برگردان نموده و موجب تشویش در فهم مراد و گاهی خیانت در امانت می‌گردد. شاهد مثال: ﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾ (آل عمران/44)

ای محمد این خبرهای غیب است وحی کردیم آن را به سوی تو و تو نبودی نزدیک آن قوم چون می‌انداختند قلمهای خویش را ... (دهلوی). ... هنگامی که می‌انداختند قلمهایشان را که کدامشان پایندانی کنند مریم را (شعرانی). ... گاهی که می‌افکندند قلمهای خویش را که کدامین کفیل شوند مریم را ... (معزی). هنگامی که می‌انداختند قلمهای خود را که کدامشان کفیل شوند مریم را ... (مصباح‌زاده).

از نمونه ترجمه‌هایی که معنای مجازی این کنایه را منتقل کرده‌اند: ... و گر نه آن گاه که قرعه زدند تا چه کسی از میانشان عهده‌دار نگهداری مریم شود... (آیتی). ... آن موقع که قرعه می‌انداختند که کدام یک سرپرستی مریم را به عهده بگیرند ... (ارفع). ... آن زمان که برای نگهبانی مریم قرعه می‌زدند ... (بروجردی) و ...

ارزیابی: (إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ): انداختن قلم‌های خویش، کنایه از قرعه‌انداختن است. چنانچه صاحب اعراب‌القرآن و بیانه می‌گوید: «الكنایة فی قوله: (يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ) عن القرعة». (درویش 1415ق، ج 1: 511) و چنانچه ملاحظه می‌گردد ترجمه‌های تحت اللفظی به دنبال انتقال ساختاری ظاهری و لفظی کنایه مورد نظر بوده‌اند و هیچ یک از آنها نتوانسته‌اند معنا و پیام اصلی کنایه مذکور را به فارسی منتقل نمایند. این در حالی است که ترجمه‌های غیر

تحت اللفظی در این زمینه موفق عمل کرده و معنای اصلی عبارت (تُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ) را که همان (قرعه زدن) است، به درستی در ترجمه خود منعکس کرده‌اند.

﴿وَلَمَّا سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَزْحَمْنَا رَبَّنَا وَ يُعْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (اعراف/49)

و چون نادم شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند گفتند ... (دهلوی). و چون افکنده شد در دست‌هایشان و دیدند ... (مصباح‌زاده). و هنگامی که افتاد در دست ایشان و دیدند ... (معزی). و چون افکنده شد در دست‌هایشان و دیدند ... (شعرانی).

ارزیابی: عبارت (سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ) در این آیه کنایه از پشیمان شدن است چنانچه که بیضاوی در این باره آورده است که (و لَمَّا سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ: کنایه عن اشتداد ندمهم فإن النادم المتحسر بعض يده غما فتصير يده مسقوفا فيها). (البيضاوي، 1418ق، ج3: 35) و همانگونه که مشاهده می‌شود دهلوی کنایه (سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ) را به (نادم شدند) ترجمه کرده که ترجمه‌ای محتوایی به حساب می‌آید. این در حالی است که سایر مترجمان، کنایه مذکور را تحت اللفظی و با عباراتی مانند (افکنده شد در دست‌هایشان و ...) ترجمه نموده‌اند.

4-3- عدم توجه به حذف و تقدیر

جمله‌ها و عبارات محذوف در قرآن کریم بسیار فراوان است. این پدیده با توجه به شفوی بودن قرآن و تکیه بر قرائن خارجی و به دلایل بلاغی مانند ایجاز و یا به دلیل واضح بودن محذوف، در جای جای قرآن کریم وجود دارد. عمده ترین موارد حذف در قرآن کریم عبارتند از حذف در اسالیب قسم، جواب شرط، و مبتدأ و خبر، و مضاف و مضاف الیه، و مفعول به و ...

در ترجمه تحت اللفظی، واژگان متن مبدأ از نظر لغوی - و نه معنایی و محتوایی - یک به یک به زبان مقصد ترجمه می‌شوند، بدون آنکه به جهات دیگر زبان از جمله عبارات یا جمله‌های محذوف آن توجهی شود: ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ﴾ (مانده/104)

و چون گفته شود ایشان را بیائید به سوی آنچه فرو فرستاده است خدا و به سوی پیغامبر گویند: بس است ما را آنچه برآن یافتیم پدران خود را و اگر چه پدران ایشان هیچ نمی‌دانستند و هیچ راه نمی‌یافتند (دهلوی). ... و اگر چه باشد پدرانشان که ندانند چیزی را و راه نیابند (شعرانی). ... و اگر چه باشد پدرانشان که ندانند چیزی را و راه نیابند (مصباح‌زاده). ... اگر چه پدران ایشان ندانند چیزی را و نه راه برند (معزی).

از جمله ترجمه‌های غیر تحت اللفظی آیه پیشین: ... آیا در هر حال از راه و رسم پدرانشان پیروی می‌کنند، هر چند پدرانشان خود چیزی نمی‌دانستند و از سوی کسی نیز هدایت نشده بودند (صفوی). ... آیا باید از پدران خود هر چند مردمی جاهل بوده و به حق راه نیافته باشند باز پیروی کنند؟ (الهی قمشه ای). آیا هر چند که پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و راه نمی‌یافتند [باز هم از آنان پیروی می‌کنند]؟ (مجتبوی).

ارزیابی: «(لو) در آیه پیشین، حرف شرط غیر جازم است که جواب شرط آن محذوف بوده و تقدیر آن بدین گونه است: آیا اینگونه می‌گویند؟» (درویش، 1415ق، ج3: 33) آیا صحیح است بگویند؟ و یا این که: از آنها پیروی می‌کنند؟

با دقت در ترجمه‌های آیه یاد شده، ملاحظه می‌شود که میان حذف و انواع ترجمه، تناسب و ارتباطی تنگاتنگی وجود دارد، به گونه‌ای که ترجمه‌های تحت اللفظی، توجه‌ای به ترجمه جواب لو نداشته‌اند و در مقابل ترجمه‌های محتوایی و آزاد، توجه بیشتری به ترجمه جواب شرط محذوف داشته‌اند. از این رو چنانکه مشاهده می‌گردد، ترجمه‌های شعرانی، معزی، و مصباح‌زاده هیچ اشاره‌ای به جواب شرط محذوف نکرده‌اند و در مقابل سایر مترجمان هر یک به شکلی تلاش کرده‌اند تا جواب شرط محذوف را در ترجمه خود نشان دهند. البته گفتنی است که ترجمه دهلوی علی‌رغم تحت اللفظی بودنش، همانند ترجمه‌های محتوایی عمل نموده و جواب شرط محذوف را در ترجمه خود منعکس نموده است.

﴿قَ وَالْمُرۡءَانِ الْمَجِیدِ﴾ (ق/1)

بقرآن بزرگوار. (شعرانی). ق سوگند به قرآن گرامی (معزی). قسم به قرآن بزرگوار (مصباح زاده). قسم به قرآن با بزرگی که تو پیغمبر خدائی (دهلوی).
ارزیابی: (واو) در این آیه واو قسم است، و جواب قسم، محذوف بوده که تقدیر آن این گونه است: که ما محمد را فرستادیم، و یا تو پیغمبر خدایی و ... و چنانکه ملاحظ می شود تنها آقای دهلوی جواب قسم محذوف را در ترجمه خود منعکس کرده است.

4-4- یکسان سازی در ترجمه (افعال، اصطلاحات و...)

همانگونه که پیش از این در بخش نقاط قوت ترجمه ها ذکر شد، ترجمه های تحت اللفظی یکسان سازی اسم های مشابه را در ترجمه رعایت کرده اند، اما این ترجمه ها از سوی دیگر به یکسان سازی افعال، حروف، ترکیب های مشابه و ... آنچنان که در خور ترجمه های تحت اللفظی است، توجه ای نداشته اند. برای اثبات این ادعا به بررسی تطبیقی ترجمه های یاد شده در این خصوص می پردازیم.

4-4-1- یکسان سازی ترجمه افعال

4-4-1-1- «يَشْكُرُونَ» یا «لَا يَشْكُرُونَ» در ترجمه دهلوی، مصباح زاده و معزی
أ. دهلوی: سپاس نمی کنند (بقره/243). شکرگزاری می کنند (اعراف/58)، سپاسداری نمی کنند (یونس/60)، شکر نمی کنند (یوسف/38)، شکر نمی گذارند (یس/73). ب. مصباح زاده: شکر نمی کنند (بقره/243)، شکرگزاری کنند (ابراهیم/37)، سپاس نگزارند (غافر/61). ج. معزی: سپاس نمی گزارند (بقره/243)، شکر گزارند (اعراف/58)، سپاس نگزارند (یونس/60).

4-4-1-2- «يُنْفِقُونَ» در ترجمه معزی، شعرانی و مصباح زاده

أ. معزی: ببخشند (بقره/3)، انفاق کنند (بقره/215)، ببخشند (بقره/261)، می ببخشند (بقره/265)، دهند (نساء/38). ب. شعرانی: انفاق می کنند (بقره/3)، صرف می کنند (توبه/91)، نفقه می کنند (شوری/38). ج. مصباح زاده: انفاق می کنند (بقره/3)، صرف می کنند (توبه/91).

4-4-1-3- «يَحْلِفُونَ» فی ترجمه مصباح‌زاده و شعرانی

أ. مصباح‌زاده: قسم می‌خورند (نساء/62)، سوگند می‌خورند (توبه/56)، سوگند یاد می‌کنند (مجادله/18). ب. شعرانی: قسم می‌خورند (نساء/62)، سوگند می‌خورند (توبه/56)، سوگند یاد می‌کنند (مجادله/14).

4-4-1-4- «يُوقِنُونَ» در ترجمه دهلوی و معزی

أ. دهلوی: یقین دارند (بقره/4)، یقین می‌کنند (بقره/118)، یقین می‌آرند (النمل/3)، یقین می‌دارند (لقمان/4)، باور نمی‌کنند (طور/36). ب. معزی: یقین دارند (بقره/4) ایشانند یقین‌دارندگان (لقمان/4).

4-4-1-5- «يُؤْمِنُونَ» در ترجمه دهلوی، شعرانی و معزی

أ. ترجمه دهلوی: ایمان می‌آرند (بقره/3)، باور می‌دارند (بقره/121)، معتقد می‌شوند (نساء/51)، ایمان آورده‌اند (أنعام/54)، ایمان دارند (أنعام/99). ج. شعرانی: می‌گروند (بقره/3)، ایمان می‌آرند (نساء/51). د. معزی: ایمان آوردند (بقره/3)، ایمان آرند (بقره/121)، ایمان آورند (آل عمران/114).

ارزیابی: افعال یاد شده در آیات مذکور با یک لفظ و به یک معنا به کار رفته‌اند. اما با وجود این ملاحظه می‌گردد که تقریباً تمامی مترجمان، این افعال را در آیات مختلف، به گونه‌های متفاوتی ترجمه کرده‌اند که این مسأله عدم توجه کامل آنها به اصل یکسان‌سازی در ترجمه افعال را مبرهن می‌سازد.

4-4-2- یکسان‌سازی اصطلاحات و ترکیب‌های مشابه

برخی از مهم‌ترین اصطلاحات و ترکیب‌هایی که در قرآن کریم بطور همگون و مشابه آمده و مترجم نیز باید آنها را به یک شکل به زبان مقصد منتقل نماید عبارتند از: ﴿مِلَّةٌ﴾، ﴿إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾، (بقره/135، آل عمران/95، نساء/125، أنعام/161، نحل/123). ﴿أُولِي الْأَلْبَابِ﴾:

(بقره/179، بقره/197، بقره/269، آل عمران/7، آل عمران/190، مائده/100، رعد/19 و...). ﴿أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: (بقره/282، أنعام/2، أنعام/60، هود/3، رعد/2، إبراهيم/10، نحل/61، حج/5، حج/33، و...). ﴿الْيَوْمَ الْآخِرُ﴾: (عنكبوت/36، أحزاب/21، ممتحنه/69). ﴿غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ﴾: (بقره/173، أنعام/145، نحل/115). ﴿الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى﴾: (بقره/256، لقمان/22). ﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ﴾: (آل عمران/184، نحل/44، فاطر/25). ﴿مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾: (آل عمران/14، توبه/38، الزخرف/35). ﴿بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ﴾: (أعراف/205، رعد/15، نور/36). ﴿ذَاتِ الصُّدُورِ﴾: (آل عمران/119، آل عمران/154، مائده/7، أنفال/43، هود/5، لقمان/31، فاطر/38، و...). ﴿الرَّبَّائِيُونَ وَالْأَخْبَارُ﴾: (مائده/44، مائده/63). ﴿قَاصِرَاتِ الطُّرُفِ﴾: (صافات/48، ص/52، رحمن/56). ﴿الدَّارُ الْآخِرَةُ﴾: (بقره/94، أعراف/169، قصص/83). ﴿حُدُودَ اللَّهِ﴾: (بقره/229، بقره/230، طلاق/11). ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾: (بقره/2، آل عمران/9، آل عمران/25، نساء/87، أنعام/12، يونس/37، إسرائ/99) و...

بررسی تطبیقی اصل یکسان سازی اصطلاحات و ترکیب‌های مشابه:

4-4-2-1- «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ» در ترجمه دهلوی، شعرانی، مصباح‌زاده و معزی

أ. دهلوی: حجتها را و صحیفها (آل عمران/184)، به دلائل و کتابها (نحل/44)، به نشانه‌های واضح و به‌نامه‌های الهی (فاطر/25). ب. شعرانی: با معجزات و زبورها (آل عمران/184)، به حجتها و کتابها (نحل/44)، بینه‌ها و با مصحفها (فاطر/25). ج. مصباح‌زاده: معجزات و زبورها (آل عمران/184)، به حجتها و کتابها (نحل/44)، با بینه‌ها و با مصحف (فاطر/25). د. معزی: نشانیها و نوشته‌ها (آل عمران/184)، با نشانیها و نامه‌ها (نحل/44)، به نشانیها و به کتابها (فاطر/25).

ارزیابی: همانطور که ملاحظه شد، با وجود اینکه اصطلاح «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ» در آیات

پیشین به یک لفظ و معنا به کار رفته است، اما مترجمان به این مسأله توجه‌ای نداشته‌اند

و آن را به گونه‌های متفاوتی به فارسی برگردان نموده‌اند که بیانگر عدم توجه و یا عدم دقت آنان در همگون سازی ترجمه اصطلاحات و عبارات‌های مشابه می‌باشد.

4-4-1-2- «لَا رَيْبَ فِيهِ» فِي تَرْجُمَةِ دَهْلَوِي وَ مَعزِي

أ. دهلوی: هیچ شبهه نیست در آن (بقره/2)، هیچ شک نیست در آن (آل عمران/9)، شک نیست در آن (حج/7)، نیست شک در آن (غافر/59). ب. معزی: تردیدی در آن نیست (بقره/2)، نیست در آن شکی (آل عمران/9)، نیست شکی در آن (حج/7)، نیست تردیدی در آن (أنعام/12).

ارزیابی: گفتنی است که معزی و دهلوی عبارت «لَا رَيْبَ فِيهِ» را که به یک لفظ و معنا به کار رفته است، به گونه‌های مختلفی ترجمه کرده‌اند. این در حالی است که شعرانی و مصباح‌زاده به اصل یکسان سازی در ترجمه این ترکیب توجه کرده و آن را در تمامی آیات یاد شده یکسان و به «نیست شکی در آن» ترجمه کرده‌اند. مترجمان یاد شده در آیات ذیل نیز عبارت مذکور را یکسان ترجمه کرده‌اند که برای اختصار تنها به ذکر شماره آیات اشاره می‌کنیم: بقره/2، آل عمران/9، آل عمران/25، نساء/87، أنعام/12، یونس/37، إسرائ/99، کهف/21، حج/7، و...

4-4-3- یکسان سازی ترجمه جمله‌ها و عبارات‌های مشابه

با توجه به اینکه ترجمه‌های تحت اللفظی، متن محور می‌باشند، مترجم باید در این روش، جمله‌ها و عبارات‌هایی که اشتراک لفظی و معنوی دارند را یکسان و به یک لفظ، به زبان مقصد ترجمه نماید. از مهم‌ترین جمله‌ها و عبارات‌های مشابه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ﴾ (آل عمران/185، الحديد/20). ﴿إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْعُرُورُ﴾ (نعمان/33، فاطر/5). ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (بقره/25، بقره/82، بقره/277، آل عمران/57، نساء/57، نساء/122، و...). ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ (اعراف/54، یونس/3، رعد/11، فرقان/59، سجده/4، حديد/4). ﴿إِنَّمَا تُجْرَوْنَ مَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ ﴿طور/16، تحریم/7﴾. ﴿إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ (بقره/210، آل عمران/109، انفال/44، حج/76، فاطر/4، حدید/5). ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ (انبیاء/28، حج/76). ﴿وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (هود/8، نحل/34، زمر/48، غافر/83، جاثیه/33، أحقاف/26). ﴿وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (بقره/57، أعراف/160، توبه/70، نحل/33، نحل/118، عنکبوت/40، روم/9). ﴿وَهُمْ لَا يَظْلِمُونَ﴾ (بقره/281، آل عمران/25، آل عمران/161، أنعام/160، یونس/47، یونس/54، و...). ﴿يَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبْ مَنْ يَشَاءُ﴾ (بقره/284، آل عمران/129، مائده/18، فتح/14).

بررسی یکسان سازی ترجمه جمله‌ها و عبارات‌های مشابه:

4-4-3-1- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾

أ. دهلوی: ای مومنان (بقره/104)، ای مسلمانان (بقره/153)، ای کسانی که ایمان آوردید (بقره/208). ب. مصباح‌زاده: ای آن‌کسانی که گرویدید (بقره/153)، ای آنان که ایمان آوردید (بقره/172). ج. شعرانی: ای آن‌کسانی که گرویدید (بقره/178)، ای آن‌کسانی که ایمان آوردید (بقره/254). د. معزی: ای آنان که ایمان آوردید (بقره/264)، ای گروه مؤمنان (بقره/267). ه. مصباح‌زاده: ای آن‌کسانی که گرویدید (بقره/278)، ای آن‌کسانی که ایمان آوردید (بقره/282).

ارزیابی: همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد عبارت (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) در ترجمه‌های مذکور به‌گونه‌های مختلف ترجمه شده است که این مسأله نشانگر عدم توجه کافی مترجمان به اصل یکسان‌سازی عبارات‌ها و جمله‌های مشابه می‌باشد.

4-4-3-2- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (بقره/82)

و آنان که ایمان آوردند و کردند نیکی‌ها ... (مصباح‌زاده). و آنان که ایمان آوردند و کردند نیکی‌ها... (شعرانی). و آنان که ایمان آوردند و کردارهای نیک کردند... (معزی). و کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ... (دهلوی).

4-4-3-3- ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (بقره/277)

به درستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته ... (مصباح‌زاده). به درستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته و... (شعرانی). همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و... (معزی). هر آینه کسانی که ایمان آورده‌اند و کردند کارهای شایسته و... (دهلوی).

ارزیابی: ملاحظه می‌شود عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در دو آیه پیشین به یک لفظ و معنا به کار رفته است، از این رو بدیهی است که باید در ترجمه تحت اللفظی نیز آن را به یک شکل به زبان مقصد برگرداند، با این حال می‌بینیم که آقایان «مصباح‌زاده»، «شعرانی» و «معزی» این عبارت را به گونه‌های متفاوتی ترجمه کرده‌اند که نشانگر عدم توجه آنان به اصل یکسان سازی ترجمه عبارات مشابه در قرآن می‌باشد. البته گفتنی است که این اصل در ترجمه «دهلوی» رعایت شده است به طوری که ایشان عبارت مذکور را در آیات پیشین و نیز در دیگر آیات - که برای رعایت اختصار به آنها اشاره نشده است، یکسان و یک شکل به فارسی برگردان نموده است.

4-4-4- یکسان سازی ترجمه آیات مشابه

از جمله آیات قرآنی که دارای مشابهت لفظی و معنایی می‌باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ﴾ (طور/41، قلم/47). ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ (مؤمنون/5، معارج/29). ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ (مؤمنون/6، معارج/30). ﴿فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ (مؤمنون/7، معارج/32). ﴿انظُرُوا كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا﴾ (اسراء/48، فرقان/9). ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ادْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره/47، بقره/122). ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (آل عمران/51، مریم/36). ﴿فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَ فَأَضْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِعِينَ﴾ (اعراف/78، اعراف/91، عنكبوت/37). ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ (آل عمران/182، انفال/51). ﴿تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (واقعه/80، حاقه/43). ﴿تَنْزِيلٌ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (زمر/1، جاثیه/2).

بررسی اصل یکسان سازی آیات مشابه در ترجمه‌های تحت اللفظی:

4-4-4-1- ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾

ا. شعرانی: مگر بر زوج‌هایشان یا آنچه را مالک شد دست‌هایشان. پس به درستی که ایشانند غیر ملامت کرده (مؤمنون/6). مگر بر جفت‌هایشان یا آنچه مالک باشد یمین‌هایشان. پس به درستی که ایشان غیر ملامت شدگانند (معارج/30).

ب. مصباح‌زاده: مگر بر زوج‌هایشان یا آنچه را مالک شد دست‌هایشان. به درستی که ایشان نیستند ملامت شدگان (مؤمنون/6). جز بر جفت‌هایشان یا بر آنکه مالک شده دست‌هایشان. پس به درستی که ایشان غیر ملامت شدگانند (معارج/30).

ج. دهلوی: مگر بر زنان خویش یا بر کنیزکانی که ملک دست ایشانست. هر آینه اینان نکوهیده نیستند (مؤمنون/6). مگر بر زنان خود یا کنیزکانی که مالک آن شده است دست ایشان. پس هر آینه این فریق ملامت کرده شده نیستند (معارج/30).

د. معزی: مگر بر همسران خود یا آنچه دارا است دست‌های ایشان که ایشانند نانکوهیدگان (مؤمنون/6). جز بر همسرانشان یا آنچه دارا است یمین‌های ایشان که آنانند نانکوهیدگان (معارج/30).

ارزیابی: چنانچه ملاحظه می‌گردد هیچ یک از ترجمه‌های تحت اللفظی، اصل یکسان سازی ترجمه آیات مشابه را رعایت نکرده است به گونه‌ای که ترجمه‌های مذکور، آیات مشابه پیشین را به گونه‌های متفاوت و ناهمگون ترجمه نموده‌اند.

4-4-4-2- ﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ﴾

ا. دهلوی: آیا نزدیک ایشان علم غیب است پس ایشان می‌نویسند (طور/41). آیا نزدیک این جماعت علم غیب است پس ایشان می‌نویسند (قلم/47).

ب. **شعرانی:** یا نزد ایشان است غیب پس ایشان می‌نویسند (طور/41). آیا نزد ایشان است از غیب پس ایشان می‌نویسند (القلم/47).
ج. **مصباح‌زاده:** آیا نزد آنان اخبار غیبی است که آنها بنویسند؟ (طور/41). یا اینکه آنان علم غیب دارند و آن را می‌نویسند؟ (القلم/47).
ارزیابی: در این مورد نیز ملاحظه می‌گردد که ترجمه‌های تحت اللفظی مذکور، اصل یکسان‌سازی را رعایت نکرده‌اند، این در حالی است که آیه «أم عندهم...» در هر دو سوره (طور و قلم) به یک لفظ و معنا به کار رفته است.

5- نتیجه

بی‌تردید ترجمه تحت اللفظی با همه کاستی‌هایش، از نقاط قوتی نیز برخوردار است که همین امر موجب ماندگاری این نوع از ترجمه شده است. ترجمه تحت اللفظی هرچند تنها برگردان واژگان زبان مبدأ در زبان مقصد تلقی شده تا برگردان معانی و پیام زبان مبدأ؛ اما با این همه، در این نوع از ترجمه، دقت و ژرف‌نگری بسیاری در ترجمه واژگان قرآنی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که تلاش می‌گردد تا رعایت در نقل ساختارهای ظاهری زبان مبدأ صورت گرفته و تمامی واژگان و حتی حروف در زبان مقصد، برابریابی شوند. بنابراین این نوع از ترجمه را می‌توان برابریابی و یا معادل‌گزینی واژگانی در زبان مقصد دانست که البته افراط در حفظ امانت و پایداری و تقید بیش از اندازه به زبان مبدأ، گاهی سبب می‌شود تا مضمون و پیام اصلی کلام، به درستی به زبان مقصد منتقل نگردد.

مطالب مندرج در جدول زیر دستاورد نگارندگان است که در خلال بررسی ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم به دست آمده است.

محورهای ارزیابی	دهلوی	شعرانی	مصباح‌زاده	معزی
مطابقت ترجمه با متن قرآن	ترجمه‌ای است تقریباً مطابق با زبان مبدأ که البته در برخی از موارد همگام با متن قرآن نبوده و از افزوده‌هایی داخل ترجمه بهره می‌گیرد.	ترجمه‌ای است کاملاً مطابق با زبان مبدأ که به ندرت، از واژه‌های اضافی - و آن هم داخل پرانتز - استفاده می‌کند.	ترجمه‌ای است کاملاً مطابق با زبان مبدأ که به ندرت، از واژه‌های اضافی - و آن هم داخل پرانتز - استفاده می‌کند.	ترجمه‌ای است مطابق با زبان مبدأ که البته در برخی از موارد همگام با متن قرآن نبوده و از افزوده‌هایی داخل ترجمه بهره می‌گیرد.
سازگاری با زبان مقصد	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.
ترجمه محذوفات	اغلب، محذوف را در ترجمه ذکر می‌کند.	هیچ گاه محذوف را در ترجمه ذکر نمی‌کند.	هیچ گاه محذوف را در ترجمه ذکر نمی‌کند.	هیچ گاه محذوف را در ترجمه ذکر نمی‌کند.
استفاده از افزوده‌های تفسیری	گاهی برخلاف اصول ترجمه تحت اللفظی از برخی افزوده‌های تفسیری داخل ترجمه استفاده می‌کند.	به ندرت توضیحاتی را داخل پرانتز می‌آورد.	استفاده نمی‌کند.	گاهی توضیحاتی را داخل پرانتز می‌آورد.
ترجمه کنایه و استعاره	در بیشتر موارد معنای مجازی کنایه و استعاره را ترجمه می‌کند.	تنها معنای حقیقی کنایه و استعاره را منتقل می‌کند.	تنها معنای حقیقی کنایه و استعاره را منتقل می‌کند.	علاوه بر انتقال معنای حقیقی، معنای مجازی کنایه و استعاره را نیز داخل پرانتز می‌آورد.
ترجمه واژه‌ها	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.
یکسان سازی در ترجمه	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.
شیوایی و روانی زبان ترجمه	به دلیل بهره گرفتن از برخی افزوده‌های تفسیری در درون ترجمه، از دیگر ترجمه‌های تحت اللفظی شیواتر است.	شیوا نیست.	شیوا نیست.	شیوا نیست.
ترجمه ادوات تأکید و حصر ترجمه نون تأکید	گاهی نون تأکید را ترجمه نمی‌کند.	تقریباً تمامی ادوات تأکید را ترجمه می‌کند.	تقریباً تمامی ادوات تأکید را ترجمه می‌کند.	گاهی نون تأکید را ترجمه نمی‌کند.

6- منابع

* قرآن کریم

- 1- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم، (1374ش).
- 2- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، (1414ق).
- 3- ارفع، سید کاظم، ترجمه قرآن، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، چاپ اول، (1381ش).
- 4- الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، تهران: فرهنگ، چاپ هفتم، (1375ش).
- 5- انصاری خوشابر، مسعود، ترجمه قرآن، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، (1377ش).
- 6- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، (1383ش).
- 7- بروجردی، سید محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات صدر، چاپ ششم، (1366ش).
- 8- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، (1418ق).
- 9- درویش، محیی الدین، إعراب القرآن و بیانه، دمشق: دار ابن کثیر، چاپ چهارم، (1415ق).
- 10- دعاس، أحمد عبید، حمیدان، أحمد محمد، القاسم، إسماعیل محمود، إعراب القرآن الکریم، دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی، چاپ اول، (1425ق).
- 11- دهلوی، شاه ولی الله، فتح الرحمن بترجمة القرآن، تحقیق عبد الغفور عبد الحق بلوچ و شیخ محمد علی، مدینة: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف، چاپ اول، (1417ق).
- 12- شعرانی، ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ اول، (1374ش).
- 13- صافی، محمود بن عبدالحیم، الجدول فی إعراب القرآن، دمشق: دار الرشید مؤسسه الإيمان، چاپ چهارم، (1418ق).
- 14- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، (1380ش).
- 15- صفوی، محمد رضا، ترجمه قرآن، قم: اسراء، چاپ اول، (1385ش).

- 16- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ پنجم، (1384ش).
- 17- لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، (1374ش).
- 18- مجتبوی، سید جلال الدین، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، (1371ش).
- 19- مصباح‌زاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، چاپ اول، (1380ش).
- 20- معزی، محمدکاظم، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، (1372ش).
- 21- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الکریم، چاپ دوم، (1373ش).
- 22- نیومارک، پیتر، دوره آموزش فنون ترجمه ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، مترجمان: دکتر منصور فهیم، سعید سبزیان - تهران: رهنما، (1382ش).

پی‌نوشت

شاه ولی‌الله محدث دهلوی (1114 ق. - 1176): یکی از اصلاح‌گران مهم اسلامی در شبه قاره هند بود. وی آثاری در فقه و حدیث نیز دارد. شاه ولی‌الله دهلوی به زبان‌های فارسی و عربی می‌نوشت. الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که به فارسی نوشته شده از مشهورترین آثار شاه ولی‌الله است. ترجمه‌ای که او از قرآن به فارسی کرده است، فتح‌الرحمان نام دارد.

میرزا ابوالحسن شعرانی (1320ق - 1393ق): حکیم متأله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد و از نوادگان ملا فتح‌الله کاشانی صاحب تفسیر منهج الصادقین در تهران دیده به جهان گشود و در بیت علم و فضیلت و تقوا رشد و نمو کرد. برخی از آثار ایشان عبارتند از: حاشیه بر مجمع البیان در ده جلد با تصحیح کامل و اعراب اشعار و توضیح آنها؛ تصحیح کامل تفسیر صافی در دو جلد؛ حواشی و تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج الصادقین در ده جلد؛ ترجمه قرآن کریم؛ ترجمه و شرح دعای عرفه حضرت امام حسین «علیه‌السلام» به ضمیمه کتاب فیض الدموع؛ ترجمه و شرح مفصل صحیفه کامله سجاده و ...

عباس مصباح‌زاده (1351ق): روحانی، مترجم قرآن، منجم و خوشنویس ایرانی است. پدرش شیخ اسماعیل مصباح و پدر بزرگش میرزا جهانبخش منجم باشی از منجمین بزرگ عصر قاجار و از مدرسین معروف دارالفنون و مدرسه خان مروی بوده است. مصباح زاده پس از تحصیلات جدید وارد حوزه علمیه قم شد و از مرتضی حائری، محقق داماد و آیت‌الله بروجردی بهره‌ها برد. وی همچنین در درس اخلاق امام خمینی و جلسات درس علامه طباطبائی و علامه ابوالحسن شعرانی و مهدی الهی قمشه‌ای بهره برد. برخی از آثار وی به شرح زیر می‌باشد: ترجمه قرآن کریم، صحیفه سجّادیه و ادعیه مفاتیح الجنان به فارسی، که همه آنها با خط خود وی بارها به چاپ رسیده است.

محمد کاظم معزی: در سال 1298 ش در دزفول به دنیا آمد و در سال 1348 ش در تهران وفات یافت و در مقبره شیخان قم مدفون گردید. تحصیلات بعد از مکتب خانه او در خدمت جدش حاج شیخ محمدرضا شروع شد و زیر توجه و علاقه خاص او مدارج علمی را به طور مضاعف طی کرد. وی علاوه بر عربی، به زبان انگلیسی هم آشنا بود. چند سالی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد. اثر مهمش، ترجمه قرآن مجید به فارسی است.